

بررسی نقش توانمندی زنان روستایی در تحلیل عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر توسعه اجتماعات محلی

لیلا فلاحتی*

مهدی قاسمی**، محمد بادسار***

چکیده

در سال‌های اخیر، آگاهی مستمر از نیاز به توانمندسازی زنان روستایی به منظور دستیابی به توسعه پایدار افزایش یافته است. از این رو مطالعه حاضر با هدف بررسی نقش توانمندی زنان روستایی در تحلیل عوامل اقتصادی و اجتماعی و موانع فرهنگی مؤثر بر توسعه اجتماعات محلی صورت پذیرفت. جامعه آماری پژوهش زنان روستایی استان چهارمحال و بختیاری می‌باشد که با استفاده از جدول کرجیسی و مورگان تعداد ۳۸۴ نفر از آنها از طریق نمونه‌گیری طبقه‌بندی انتخاب شد. برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده گردید. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS²⁴ و AMOS²² انجام گرفت. داده‌های گردآوری شده با استفاده از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل گردید. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد بین متغیرهای حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی و عوامل اقتصادی رابطه مثبت و معنی‌داری با توسعه اجتماعات محلی و بین موانع فرهنگی با توسعه اجتماعات محلی رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ همچنین، براساس نتایج مدل ساختاری میانجی مشخص شد که متغیر توانمندی زنان روستایی در رابطه بین متغیرهای

* استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تهران، ایران، l.Falahati@gmail.com
** دکترای توسعه روستایی، گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران (نویسنده مسئول)، mehdighasemi1990@yahoo.com

*** استادیار گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی دانشگاه زنجان، زنجان، ایران، mbadsar@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۷

اقتصادی، اجتماعی و موانع فرهنگی با توسعه اجتماعات محلی دارای نقش میانجی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: زنان، توانمندی، اجتماعات محلی، توسعه روستایی، چهارمحال و بختیاری

۱. مقدمه

زنان در همه جوامع توسعه یافته و نیافته و در حال توسعه دارای موقعیت منحصر به فردی هستند؛ این اهمیت بیشتر به خاطر نقش‌های مختلفی است که در مراحل مختلف زندگی آنان به عنوان یک دختر، همسر، مادر و خواهر وجود دارد؛ صرف نظر از مشارکت و نقش زنان در زندگی هر انسان، آن‌ها هنوز در موقعیت نامناسب قرار دارند و قربانی نابرابری‌ها و ناعدالتی‌ها در جامعه می‌باشند (Singh, 2018). از این رو بسیاری از پژوهشگران و اقتصاددانان به طور گسترده سرمایه‌گذاری در زنان و توانمندسازی آنان را به عنوان کلید توسعه معرفی می‌کنند (Duflo, 2012; Mondal, 2015; Hissa et al, 2019). در حقیقت تقویت کنترل زنان در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و همچنین مشارکت در تصمیم‌سازی منجر به رفاه عمومی آنان در حال حاضر و نسل‌های آینده می‌شود؛ زنان با ایجاد نیروی اخلاقی در محیط خانه، نقش مهمی در شکل دادن جامعه دارند؛ زیرا زنان به طور تقریبی نیمی از سرمایه انسانی کشورها را تشکیل می‌دهند و موقعیت آنان در هر کشوری یکی از شاخص‌های توسعه ملی و دستیابی به توسعه پایدار برای آن محسوب می‌شود (Singh, 2018).

توانمندسازی زنان یکی از اولویت‌ها برای دستیابی به توسعه پایدار است (United Nations, 2015; Miedema, et al 2018). امروزه مفهوم توانمندسازی زنان به بخش مهمی از گفتمان‌های توسعه تبدیل شده، و این بینش با یک تغییر قابل ملاحظه در چگونگی تصورات نسبت به زنان از یک موجود ضعیف به یک فرد فعال و مستقل شکل گرفته است (Bradshaw et al, 2013). اغلب کشورها نیز برای دستیابی به توسعه پایدار "توانمندسازی" را به عنوان یکی از کارآمدترین روش‌ها معرفی کرده و سرمایه‌گذاری در زنان را کلید توسعه جوامع خود می‌دانند (Steffen, 2014). در همین زمینه دافلو (Duflo, 2012) در ارتباط توانمندسازی زنان با توسعه بیان می‌دارد، توانمندسازی زنان و توسعه یک رابطه دو سویه با یکدیگر دارند و همان طوری که توسعه توانمندسازی زنان را به ارمغان خواهد آورد، توانمندسازی زنان باعث ایجاد تغییراتی در زنان می‌شود که تأثیر مستقیمی بر توسعه گذاشته

و توسعه را به ارمغان خواهد آورد. همچنین بایه (Bayeh, 2016) بیان می‌دارد، توانمندسازی زنان اگر به شکل درست اجرا گردد می‌تواند موجبات توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و در نهایت منجر به توسعه پایدار گردد. در این میان فعالیت‌های مبتنی بر توسعه اجتماعات محلی نیز بر اصل توانمندسازی جوامع استوار است؛ اما تأثیر نقش زنان در توسعه جوامع مورد توجه قرار نگرفته است که دلایل مختلفی برای آن وجود دارد، اولاً برنامه‌ها ممکن است دستاوردهای جنسیتی را به عنوان اهداف اصلی خود نداشته باشند و دوم اینکه حتی زمانی که برنامه‌ها بر روی ابعاد جنسیتی و نقش زنان توجه دارند، به طور دقیق مشخص نیست که چه عواملی بر توانمندی آنان اثرگذار می‌باشد و کدام شاخص از توانمندسازی را مورد هدف قرار داده‌اند (World Bank, 2017). لذا این پژوهش با هدف بررسی نقش توانمندی زنان روستایی در تحلیل عوامل اقتصادی اجتماعی و موانع فرهنگی مؤثر بر توسعه اجتماعات محلی صورت پذیرفت.

۲. پیشینه پژوهش و مبانی نظری

توسعه اجتماعات محلی به معنای بسیج سرمایه‌های محلی به منظور ایجاد ظرفیت سازی و استفاده بهینه و حداکثری از منابع و مبتنی بر نگاه برنامه‌ریزی و مدیریت از «پایین به بالا» از طریق توانمندسازی و مشارکت جمعی ساکنان است و بر این موضوع تأکید دارد که جامعه محلی حق تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی‌ها را دارد و هر چه مشارکت و تصمیم‌گیری افراد در جامعه محلی بیشتر شود باعث استفاده بهینه از منابع می‌گردد (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۱؛ Wang, 2012). توسعه اجتماعات محلی به زعم وریتی (Verity, 2007) جنبه‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد شامل الف) اجتماعات محلی به مثابه مکان؛ در این حالت موقعیت کالبدی، محل کار، حومه، محله، فضای جغرافیای سیاسی را شامل می‌شود؛ ب) اجتماعات محلی به مثابه سیستم اجتماعی؛ که بیشتر شبکه‌ها و ارتباطات و تعاملات میان مردم مورد توجه است؛ ج) اجتماعات محلی به مثابه منافع گروهی؛ که در این حالت گروه‌های ناهمگنی از مردم که دارای نیازها، وظایف، مشاغل، منافع و آرمان‌های مشترک دارند مد نظر است. رضائی تبار و همکاران (۱۳۹۱) بیان می‌دارند هر الگوی توسعه محلی که بر رویکرد اجتماع محور باشد و توسعه اجتماعات محلی را مد نظر قرار دهد، راه را برای پایداری در مسیر پیشرفت و عدالت خواهد گشود؛ زیرا در این الگو گروه‌های اجتماعی بر تصمیمات و منابع کنترل و در برنامه‌ریزی‌ها شرکت دارند و کوشش آنها برای دخالت دادن

افراد آسیب پذیر در فرایند برنامه‌ریزی است. در این میان بسیاری از پژوهشگران توانمندسازی زنان را راهی برای دستیابی به توسعه اجتماعات محلی معرفی نموده‌اند (World Bank, 2016; MaCall, 2003). در همین زمینه درخشان‌پور و مرادی (۱۳۹۴) بیان می‌دارند، توانمندسازی برنامه‌ی حل مسأله‌ای از درون در راستای دستیابی به توسعه اجتماعات محلی است، به نحوی که الگوهایی از توسعه درون‌زای محلی شکل گرفته که می‌تواند به سایر اجتماعات تعمیم داده شود. همچنین سینگ و پوشپانجا (Singh & Pushpanjali, 2010) در پژوهش خود تحت عنوان برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در هند نشان دادند، توسعه همه جانبه که شامل توسعه فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی است بدون مشارکت کامل و برابر زنان میسر نمی‌شود؛ و توانمندی زنان را از جمله عوامل مؤثر بر دستیابی به توسعه جوامع معرفی می‌کند.

از آنجایی که توانمندسازی زنان یک پدیده اجتماعی است و پدیده‌های اجتماعی تک علتی نیستند، توانمند شدن زنان به عوامل درونی و بیرونی متعددی بستگی دارد که از جمله مهمترین این عوامل می‌توان به عوامل فرهنگی و اجتماعی اشاره نمود (کلدی و سلحشوری، ۱۳۹۱). نتایج تحقیق فراکنبرگ و توماس (Frankenberg & Thomas, 2001) نشان دهنده تأثیر قوی متغیرهای اجتماعی بر توانمندی زنان است. یکی از نظریه‌های مهم پیرامون تأثیر عوامل اجتماعی در توانمندی زنان نظریه تحلیل شبکه (Network Analysis theory) می‌باشد؛ از دیدگاه تحلیل شبکه، سرمایه اجتماعی به شبکه روابط، پیوندها و منابع در دسترس اطلاق می‌گردد (Salehudin, 2009)؛ این نوع سرمایه اجتماعی که سرمایه اجتماعی شبکه‌ای نام دارد بر منابع ابزاری و حمایتی متنوع و موجود در شبکه که با سرمایه‌گذاری افراد در روابط اجتماعی و دستیابی به پیوندهای اجتماعی مختلف به دست می‌آید متمرکز است (Wellman, 1999). از دیدگاه شبکه منشأ بسیاری از تفاوت‌های جنسیتی در سرمایه اجتماعی و عضویت ارتباطی زنان و مردان در ساختار اجتماعی ریشه داشته و ناشی از زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی می‌باشد که تبعیضات گسترده‌ای را به دنبال داشته است (Erickson & Miata, 2005)؛ محرومیت از فعالیت‌های اجتماعی گسترده و ممانعت همسر یا پدر از ورود زن به عرصه‌ی اجتماع عواملی هستند که شبکه‌های زنان و سرمایه اجتماعی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ در نتیجه نابرابری‌های جنسیتی نهادینه شده در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی باعث افزایش تمایز و تفاوت‌های دو جنس می‌شود و در عرصه‌های مختلف آنان را بیش از پیش از هم متفاوت می‌کند و باعث نابرابری‌های

جنسیتی می‌شود؛ بنابراین توجه به این مسائل و افزایش این شبکه‌ها باعث افزایش توانمندی زنان و کاهش نابرابری‌های جنسیتی می‌گردد (ریتزر، ۱۳۷۹). در همین زمینه نادری و وحدت (۱۳۹۷) در پژوهش خود با بررسی نقش عوامل اجتماعی در توانمندسازی زنان نشان دادند، تأمین مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی از جمله مؤلفه‌های تأثیرگذار بر توانمندی زنان به شمار می‌روند. حمایت اجتماعی نیز می‌تواند با پیوندهای گوناگون اعضای شبکه فراهم گردد به طوری که تنوع روابط طیف وسیعی از حمایت‌های متنوع را برای افراد فراهم می‌آورد؛ حمایت اجتماعی می‌تواند به صورت مالی، اطلاعاتی و حمایت خانواده باشد؛ حمایت اجتماعی افراد را قادر می‌سازد تا توانایی رویارویی با مشکلات زندگی و بحران‌های زندگی را داشته باشند و به خوبی آنها را سپری کنند (Wellman, 1992).

نتایج مطالعات مختلف نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی مانند فراهم نمودن فرصت‌های اقتصادی، درآمد، برنامه‌های اعتباری منجر به ارزش بیشتری برای زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی، دسترسی به منابع مالی و اقتصادی، دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و قدرت چانه زنی بیشتر و در نهایت توانمندی آنان می‌شود (Bali Swain 2007, Pitt et al, 2006; Goetz and Sen Gupta 1996; Duflo 2003; Blumberg 2005; Nguyen, 2018). نتایج مطالعات ساعی و ولی پور (۱۳۸۸) نشان می‌دهند، اشتغال زنان و کارآفرینی آنان عاملی موثر بر درآمد آنان می‌باشد و درآمد به عنوان یکی از فاکتورهای اقتصادی نقش مهم و اساسی در توانمندسازی زنان داشته است. همچنین سواین و والتین (Swain & Wallentin, 2007) نشان دادند اغلب زنانی که به اعتبارات دسترسی داشتند به درجاتی از توانمندی رسیده‌اند. به عبارت دیگر منابع مالی در اختیار زنان موجب کسب قدرت مالی و مشارکت اقتصادی آنان در جامعه و خانواده می‌شود به گونه‌ای که این شرایط نقش قابل توجهی در توانمندسازی آنها ایفا می‌کند (Mayoux, 2005). زرافشانی و همکاران (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود با بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه نشان دادند اعتبارات و دسترسی زنان به آنها نقش قابل توجهی در توانمندسازی زنان روستایی داشته است. در این زمینه سلمانی و همکاران (۱۳۸۷) بیان می‌دارند اعتبارات روستایی مکانیزمی برای بسیج منابع مالی و اعطای وام‌های کوچک به مردم به منظور راه‌اندازی فعالیت‌های درآمدزای پایدار است؛ این مکانیزم انگیزه جامعه محلی به ویژه زنان و گروه‌های آسیب‌پذیر را برای تدوam مشارکت تقویت می‌نماید؛ دسترسی به منابع یکی از عناصر اقتصادی

تأثیرگذار بر توانمندسازی زنان و پایه‌ای برای دستیابی به اهداف توسعه هزاره می‌باشد (Shahnaj, 2008). با این وجود در اکثر کشورهای در حال توسعه زنان یا به منابع اقتصادی از جمله زمین دسترسی ندارند و یا زمین‌های آنها اغلب از کیفیت پایین برخوردار است و در قطعه‌های کوچک می‌باشد (FAO, 2010). در همین زمینه کاروپوسام و ایندایرا (Karuppusamy & Indira, 2017) در پژوهش با بررسی عوامل اقتصادی اجتماعی بر توانمندی زنان نشان دادند عوامل اقتصادی و اجتماعی مانند درآمد و دسترسی به منابع از جمله عوامل تأثیرگذار بر توانمندی زنان به شمار می‌روند. حسین و جیم (Hossain & jaim, 2008) نیز در پژوهش خود نشان دادند عوامل اقتصادی مانند میزان مالکیت، دسترسی به منابع و درآمد از جمله مؤلفه‌های تأثیرگذار بر توانمندی زنان به شمار می‌روند.

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در توانمندی زنان روستایی، عوامل فرهنگی هستند (Espin, 2018; Erickson, 2004; Narayan, 2018). تحقیقات کشورهای در حال توسعه نشان داده است که افزایش دسترسی زنان به منابع مالی لزوماً به توانمندسازی آنان منجر نمی‌شود و شرایط فرهنگی جامعه، بر توانمندی زنان تأثیرگذار می‌باشند (Kabeer, 2005). در همین زمینه سن (۱۳۸۹) جنسیت زنان را عاملی می‌داند که موجب برخورداری کمتر آنان از خدمات رفاهی می‌گردد و در زمینه الگوی مرد نان آور بیان می‌دارد که غلبه نسبی قدرت مردان به ویژه نقش آنها به عنوان نان آور خانواده امکان بهره برداری بیشتر از منابع را به آنها می‌دهد و بر همین اساس بر نقش آفرینی بیشتر زنان و قدرت‌یابی آنها از طریق عوامل فرهنگی تأکید می‌ورزد. احساس فرودستی نسبت به جنس در زنان، باوری است که عیناً معادل حس حقارت در روان‌شناسی نیست بلکه معلول اجتماعی متأثر از فرهنگ و آموزش است و می‌تواند به عنوان عاملی مؤثر بر افکار و ایده‌ها و آگاهی‌های زنان اثر داشته باشد (ریتزر، ۱۳۷۹). در همین زمینه ساعی و ولی‌پور (۱۳۸۸) در پژوهش خود با شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی به این نتیجه رسیدند تفکرهای سنتی رایج در مورد زنان، به عنوان عامل فرهنگی نقش اساسی در توانمندسازی زنان داشته است.

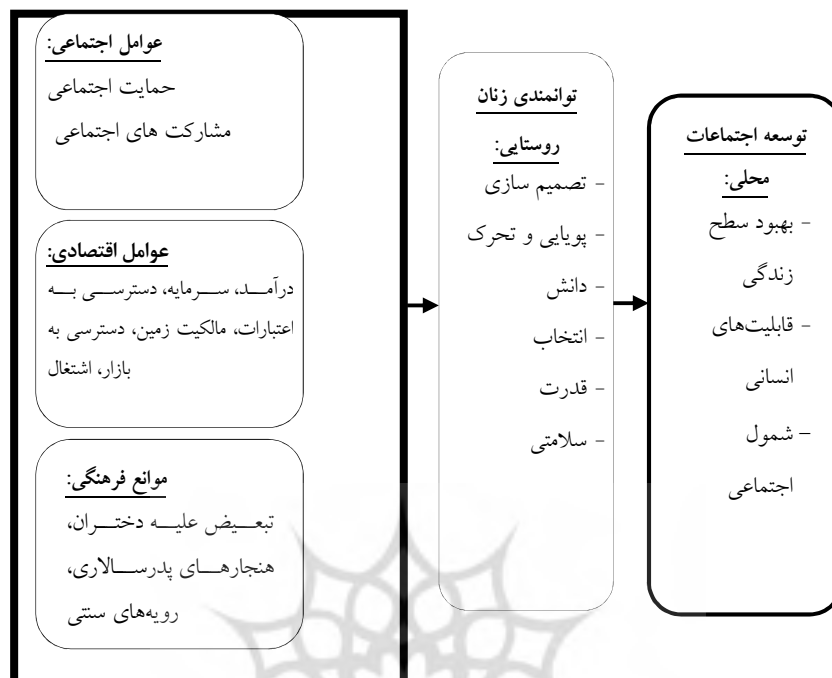
کبیر (۲۰۰۱) توانمندسازی را ارتقای توانایی انسان‌ها برای انتخاب‌های راهبردی و حساس زندگی، در زمینه‌هایی که قبلاً از توانایی یافتن در آن محروم بوده‌اند بیان می‌کند. داندونا (Dandona, 2015) نیز توانمندسازی را شامل یک جامعه و محیطی می‌داند که زنان می‌توانند بدون هیچ‌گونه ترس از ظلم و ستم، استثمار، دلهره و تبعیض در یک ساختار سنتی مردسالاری فعالیت کنند؛ اما به طور کلی در ادبیات توسعه برای مفهوم توانمندسازی

به گستره‌ی وسیعی از مفاهیم مانند حق انتخاب، کنترل داشتن، دسترسی به منابع، احساس استقلال و اعتماد به نفس اشاره شده است (Jinia, 2016; Kumar, Hossain, & Gope, 2015; Rani, 2017; Rifkin, 2003; Ugbomeh, 2001).

نظریه‌های مختلفی پیرامون نقش زنان در فرایند توسعه ارائه شده است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره شده است؛ نظریه رفاه از قدیمی‌ترین و متداول‌ترین نظریه‌های توسعه اجتماعی در جهان سوم، به ویژه برای زنان بوده است؛ تا اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ سیاست‌های توسعه در مورد زنان فقط بر نقش آنها به عنوان زنان خانه‌دار و مادران با تأکید بر مراقبت کودک و کاهش باروری جهت گیری شده بود و چنین می‌پنداشتند که آثار راهبرهای اقتصاد کلان برای رشد، خود به خود به فقر زدایی می‌انجامد و زنان فقیر هم از بهبود موقعیت اقتصادی همسرانشان بهره‌مند خواهند شد (مامسن، ۱۳۸۷). به اعتقاد بوونینیک و گوپتا (Buvinic & Gupta, 1997)، برنامه‌های رفاهی برای بهبود وضعیت زندگی زنان بعد از جنگ جهانی دوم و برای گروه‌های آسیب‌پذیر به وجود آمد؛ از نظر آن‌ها نظریه رفاه به طور کلی بر مبنای سه پیش فرض بنا نهاده شده است: الف) زنان به عنوان عوامل فاقد جنبش و مفعول که شرکت فعالانه‌ای در فرایند توسعه نداشتند، به حساب می‌آمدند؛ ب) نقش مادران زنان به عنوان مهمترین نقش اجتماعی آنها تلقی می‌شد؛ ج) بچه دار شدن و تربیت بچه مؤثرترین نقش زنان در همه اشکال توسعه اقتصادی شمرده می‌شد. در نظریه برابری فرض بر این است که راهبردهای اقتصادی بر امور زنان اکثراً اثر منفی داشته، آغاز گردیده و تأکید دارد که زنان را باید از طریق استخدام و معرفی به بازار کار وارد فرایند توسعه کرد (الوانی و ضرغامی، ۱۳۸۰). طرفداران این نظریه برای استقلال مالی زنان اهمیت زیادی قائل بودند و ریشه زیر دست بودن زنان را نه تنها در چارچوب خانواده بلکه در روابط بین زن و مرد جستجو می‌کردند، با توجه به اینکه در نظریه برابری سعی بر این است که احتیاجات استراتژیک زنان از طریق بالا به پایین و تنها از طریق قانونی برآورده شود، در برخی مناطق و در کشورهای در حال توسعه سنت‌های محلی به صورت مانعی بر سر راه این تلاش عمل کرده و از موفقیت کارها کاسته شده است (میرخشخو، ۱۳۹۳). نظریه فقرزدایی یا خودکفایی اقتصادی نابرابری اقتصادی بین زنان و مردان را به فرمانبری و پایین تر بودن زنان ربط نداده بلکه آن را نتیجه فقر می‌داند؛ در این نظریه راه و روش از بین بردن نابرابری‌های اقتصادی متفاوت از دو نظریه پیش می‌باشد (Manjoro, 2017). در نظریه کارایی تمرکز از زنان برداشته شده و بر محور توسعه قرار گرفته است با این فرض که افزایش مشارکت

زنان در امور اقتصادی کشورهای جهان سوم خود به خود منجر به افزایش برابری خواهد شد در نتیجه مشارکت زنان در امر توسعه اقتصادی، برابری و کارایی به هم متصل می‌باشند (غفاری و همکاران، ۱۳۹۱). در واقع در این نظریه اهمیت منابع انسانی زنان به عنوان نیمی از این منابع هستند که در جریان توسعه یا از دست رفته و یا به اندازه کافی استفاده نشده است؛ این نظریه باروری، نگهداری و پرورش نیروی انسانی را که به وسیله زنان انجام می‌شود، در تعریف اقتصاد خرد مدنظر قرار نمی‌دهد در نتیجه در سیستم منابع، کار بدون مزد زنان نادیده گرفته می‌شود (میرخشخو، ۱۳۹۳). در نظریه توانمندسازی بر همکاری و هم‌فکری در بین زنان به منظور کسب قدرت تأکید می‌شود و امروزه در بین نظریه‌های فوق نظریه توانمندسازی از همه مقبول‌تر می‌باشد (حیدری ساریان، ۱۳۹۷).

یکی از تئوری‌های مهم در این زمینه، تئوری کبیر (Kabeer, 1999) می‌باشد؛ وی یک تئوری در رابطه با توانمندسازی زنان معرفی کرده است و سه عنصر اصلی را در توانمندسازی زنان شناسایی نموده که شامل منابع، عاملیت (Agency) و دستاوردها می‌باشند. عاملیت اشاره دارد به ظرفیت افرادی که به طور مستقل عمل می‌کنند و در انتخاب خود آزاد هستند و در مقابل آن ساختارهایی (مانند مذهب، قومیت، جنسیت، طبقه اجتماعی، آداب و رسوم، سنت‌ها، کلیشه‌ها و غیره) قرار دارند که فرد را در انتخاب تصمیم‌گیری‌های خود محدود می‌نماید (Barker, 2005). کبیر در خصوص منابع بیان می‌دارد که آن می‌تواند شامل منابع اقتصادی، اجتماعی و انسانی باشد که بر توانمندسازی می‌توانند مؤثر واقع شوند. در نهایت دستاوردها قرار دارند که می‌تواند نتیجه‌ای از ترکیب منابع و عاملیت باشند که در اثر فرایند توانمندسازی ایجاد می‌شوند و می‌توانند از برآورده شدن نیازهای اساسی تا دستاوردهای پیچیده نظیر مشارکت در زندگی اجتماعی، سیاسی و نهایتاً توسعه را شامل گردد. در این پژوهش سعی بر آن داشتیم تا با استفاده از ترکیب نظریه‌های مختلفی که پیرامون توانمندسازی زنان بیان گردید، همچنین مدل‌ها و تئوری‌هایی نظیر تئوری کبیر ضمن بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و موانع فرهنگی اثرگذار بر توسعه اجتماعات محلی، با بهره‌گیری از مطالعات تجربی اثر توانمندی زنان روستایی را در تحلیل عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر توسعه اجتماعات محلی مورد بررسی قرار گیرد (شکل ۱).



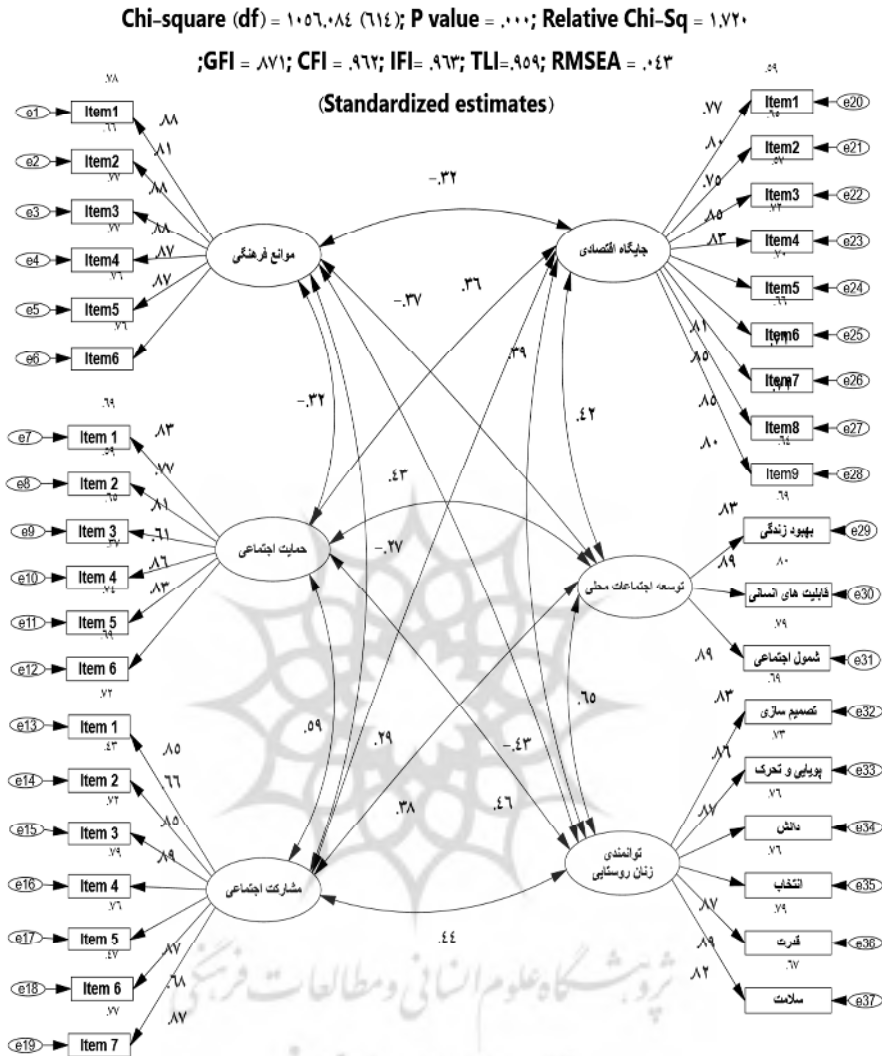
شکل ۱- چارچوب مفهومی پژوهش

۳. روش پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ میزان و درجه کنترل متغیرها، غیر آزمایشی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، میدانی محسوب می‌شود. جامعه آماری این مطالعه شامل کلیه زنان روستایی استان چهارمحال و بختیاری بود (سنین بالاتر از ۱۰ سال). استان چهارمحال و بختیاری دارای ۹ شهرستان (شامل: شهرکرد، سامان، بن، فارسان، کوه‌رنگ، کیار، اردل، بروجن و لردگان) با جمعیتی برابر با ۹۴۷۷۶۳ نفر است که از این تعداد ۶۰۷۴۴۴ نفر در مناطق شهری (۶۴/۰۹ درصد) و ۳۳۹۶۶۷ نفر (۳۵/۹۱ درصد) روستا نشین هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶). در این مطالعه به منظور داشتن ترکیبی متناسب و قابل تعمیم نمونه‌ی آماری از مناطق مختلف استان انتخاب گردید. انتخاب نمونه مورد نظر ابتدا با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای چند مرحله‌ای صورت گرفت؛ بدین گونه که ابتدا از هر شهرستان یک بخش، از هر بخش یک دهستان و نهایتاً از هر دهستان چند روستا انتخاب گردید. انتخاب نمونه در سطح روستا نیز به روش تصادفی صورت پذیرفت. به منظور تعیین حجم نمونه با استفاده از

جدول کرجسی و مورگان، ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق پرسشنامه بود که از شش بخش مشخصه‌های فردی، گویه‌های مرتبط با توانمندی زنان روستایی، گویه‌های مرتبط با توسعه اجتماعات محلی، گویه‌های مرتبط با عوامل اجتماعی، گویه‌های مرتبط با عوامل اقتصادی و گویه‌های مرتبط با موانع فرهنگی موثر بر توانمندی زنان روستایی و نقش آنها در توسعه اجتماعات محلی تشکیل شده بود. از لحاظ مفهومی توانمندسازی فرآیندی است که طی آن فرد از نیازها، خواسته‌های درونی و قابلیت‌های خود آگاه می‌شود و با هدف رسیدن به خواسته‌های خود به کسب توانایی‌های لازم می‌پردازد (نوابخش و همکاران، ۱۳۹۴). همچنین توسعه اجتماعات محلی به معنای بسیج سرمایه‌های محلی به منظور ظرفیت‌سازی و استفاده بهینه و حداکثری از منابع می‌باشد و مبتنی بر نگاه برنامه‌ریزی و مدیریت از «پایین به بالا» از طریق توانمندسازی و مشارکت جمعی ساکنان است (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۱). به لحاظ عملیاتی توانمندی زنان روستایی از طریق شش بعد تصمیم‌سازی، پویایی و تحرک، دانش، انتخاب، قدرت و سلامت اندازه‌گیری شد که برای این منظور از ۳۷ گویه استفاده گردید. همچنین برای سنجش توسعه اجتماعات محلی از شاخص‌های بهبود سطح زندگی، قابلیت‌های انسانی و شمول اجتماعی استفاده گردید که در این بخش نیز ۱۷ گویه مورد استفاده قرار گرفت. روایی ظاهری پرسشنامه با نظر کارشناسان و متخصصان در زمینه موضوع مورد پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. علاوه بر روایی ظاهری و محتوایی در این مطالعه روایی همگرا و تشخیصی ابزار تحقیق نیز پس از گردآوری داده‌ها در قالب مدل اندازه‌گیری ارزیابی شد (شکل ۲). به منظور بررسی پایایی تحقیق، تعداد ۳۰ پرسشنامه خارج از نمونه اصلی (از روستای شیخ شبان و لارک واقع در بخش مرکزی شهرستان بن، هر کدام ۱۵ پرسشنامه) جمع‌آوری گردید که مقدار ضریب آلفای بدست آمده برای قسمت‌های مختلف پرسشنامه بیشتر از ۰/۷ بود که نشان از پایایی مناسب پرسشنامه بود. نتایج ارزیابی برازش نیکویی مدل اندازه‌گیری بر اساس شاخص‌های برازش مدل شامل کای اسکویر نسبی (Relative Chi-Square) برابر با ۱/۷۲۰ یعنی مقدار عددی کمتر از ۳؛ و شاخص برازش تطبیقی (Comparative Fit Index (CFI)) (CFI=۰/۹۶۲)؛ شاخص برازش فزاینده (Incremental Fit Index (IFI)) (IFI=۰/۹۶۳)؛ و شاخص توکر-لوئیس (Tucker-Lewis Index (TLI)) (TLI=۰/۹۵۹)؛ با مقادیر عددی بیشتر از ۰/۹۰ و شاخص ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (Root Mean Square Error of Approximation) (RMSEA=۰/۰۴۳) با مقدار عددی کمتر از ۰/۰۸، برازش مدل برازش

نیکویی در سطح قابل قبولی بوده است (شکل ۲). نتایج ارزیابی اعتبار همگرا و تشخیص بر اساس مدل اندازه‌گیری نشان داد، با توجه به اینکه برای تمامی متغیرها بر اساس معیارهای سه گانه پیشنهاد شده توسط هیر و همکاران (Hair et al, 2010) شامل: (۱) بارهای عاملی استاندارد مساوی و بزرگتر از ۰/۵، (۲) میانگین واریانس استخراج شده مساوی و بزرگتر از ۰/۵ و (۳) پایایی ترکیبی (Composite Reliability) مساوی و بزرگتر از ۰/۷ به دست آمد، از این رو، روایی همگرایی ابزار تحقیق در سطح قابل قبولی بود (جدول ۱). در رابطه با روایی تشخیصی نیز نتایج حاکی از آن بود که با توجه به اینکه مربع بزرگترین ضریب همبستگی بین متغیرهای مکنون مورد مطالعه کمتر از کوچکترین میانگین واریانس استخراج شده تمامی متغیرهای مکنون می باشد، بنابراین، ابزار تحقیق از روایی تشخیصی مناسبی برخوردار بود؛ به عبارت دیگر، هر دسته از سوالات / گویه های مربوط به مکنون‌های مختلف به طور مستقل موضوع متفاوتی را اندازه می گیرند. به منظور بررسی اثر میانجی توانمندی زنان روستایی در رابطه بین عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با توسعه اجتماعات محلی از روش خودگردان سازی (Bootstrap) که یک تکنیک جدید برای آزمون میانجی به شمار می رود استفاده گردید. این تکنیک امکان برآورد کلی مجموع یک اثر غیرمستقیم (مجموع $A \rightarrow B \rightarrow C$)، سطح معنی داری و تعیین سطحی از فاصله اطمینان (Confidence Intervals) را برای یک نقطه تخمینی فراهم می کند (Mallinckrodt et al, 2006). از جمله مزایای اصلی استفاده از روش خودگردان سازی آن است که این روش امکان آزمون اثر غیرمستقیم بین متغیرها در سطح و تعدادی بیشتر از نمونه آماری واقعی از راه بازنمونه‌گیری با جایگذاری (Resampling with Replacement) از یک نمونه مادر یا اصلی به تعداد دفعات زیاد به صورت تصادفی و خودکار را میسر می کند (بادسار و همکاران، ۱۳۹۷)؛ از این رو، با بهره‌گیری از این روش می توان محدودیت‌های ناشی از غیر نرمال بودن داده‌ها و یا کم بودن حجم نمونه آماری به ویژه برای مدل‌هایی که دارای سطح بالایی از پیچیدگی هستند و ممکن است نتایج تحقیق تحت تاثیر نرمال نبودن داده‌ها یا کوچک بودن حجم نمونه اصلی قرار گیرد، را بر طرف کرد (Kline, 2011). برای تحلیل داده‌ها و اجرای روش خودگردان سازی از نرم‌افزار گرافیکی AMOS22 استفاده شد.



شکل ۲- مدل اندازه گیری بر اساس مقادیر عاملی استاندارد

جدول ۱- نتایج میانگین واریانس استخراج شده، پایایی ترکیبی و همبستگی متغیرها بر اساس مدل اندازه گیری

متغیر	میانگین واریانس استخراج شده ($\leq 0/5$)	پایایی ترکیبی ($\leq 0/7$)	ضرایب همبستگی میان متغیرها					
			۱	۲	۳	۴	۵	۶
موانع فرهنگی	۰/۷۴	۰/۹۴	۱					
حمایت اجتماعی	۰/۶۲	۰/۹۰	-۰/۳۲**	۱				
مشارکت اجتماعی	۰/۶۶	۰/۹۳	-۰/۲۷**	۰/۵۸	۱			
جایگاه اقتصادی	۰/۶۶	۰/۹۴	-۰/۳۲**	۰/۳۶	۰/۲۹**	۱		
توانمندی زنان روستایی	۰/۷۲	۰/۹۴	-۰/۴۳**	۰/۴۵	۰/۴۳**	۰/۳۹	۱	
توسعه اجتماعات محلی	۰/۷۵	۰/۹۰	-۰/۳۳**	۰/۴۲	۰/۳۸**	۰/۴۱	۰/۶۵	۱

** معنی داری در سطح ۰/۰۱

۴. یافته ها و بحث

همان طور که در جدول ۲ نشان داده شده است، اکثریت پاسخگویان را زنان متأهل تشکیل داده‌اند (۸۰/۲ درصد) همچنین ۱۲ درصد پاسخگویان مجرد، ۴/۹ درصد بیوه و ۲/۹ درصد زنان مطلقه بوده‌اند. بر اساس نتایج کسب شده، محل سکونت اکثریت پاسخگویان (۸۸/۳ درصد) روستا و ۱۱/۷ درصد از پاسخگویان به صورت فصلی در روستا اقامت داشتند. با توجه به یافته‌های تحقیق، میانگین سن پاسخگویان ۳۵/۸۵ سال بود. از نظر سطح تحصیلات ۵/۲ درصد بی‌سواد، ۶/۸ درصد از آنان ابتدایی، ۲۲/۱ درصد راهنمایی و دبیرستان، ۳۵/۹ درصد دیپلم و ۱۲/۸ درصد فوق دیپلم و ۱۷/۲ درصد کارشناسی و بالاتر بودند (جدول ۲).

جدول ۲- توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر اساس ویژگی‌های فردی

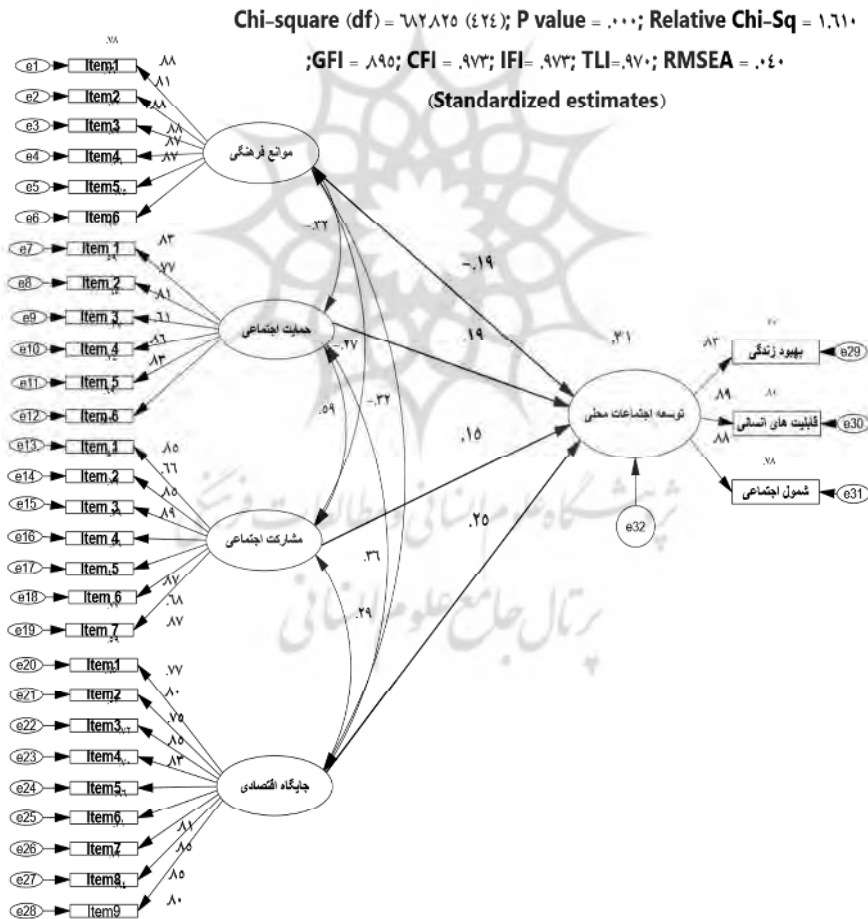
متغیر	فراوانی	درصد	
وضعیت تأهل	مجرد	۴۶	۱۲
	متأهل	۳۰۸	۸۰/۲
	مطلقه	۱۱	۲/۹
	بیوه	۱۹	۴/۹
سطح تحصیلات	بی سواد	۲۰	۵/۲
	ابتدایی	۲۶	۶/۸
	راهنمایی	۴۷	۱۲/۲
	دبیرستان	۳۸	۹/۹
	دیپلم	۱۳۸	۳۵/۹
	فوق دیپلم	۴۹	۱۲/۸
	لیسانس و بالاتر	۶۶	۱۷/۲
محل سکونت	روستا	۳۳۹	۸۸/۳
	اقامت فصلی در روستا	۴۵	۱۱/۷

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

الف. آزمون اثر مستقیم عوامل اقتصادی، اجتماعی و موانع فرهنگی بر توسعه اجتماعات محلی

به منظور بررسی روابط میان متغیرهای تحقیق از تکنیک مدل سازی معادلات ساختاری استفاده گردید. در تحقیق حاضر یافته‌های استنباطی در قالب دو مدل ساختاری مستقیم (شکل ۳) و میانجی (شکل ۴) ارائه شده است. مدل ساختاری مستقیم بیانگر رابطه مستقیم عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی (شامل؛ حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی) و موانع فرهنگی با توسعه اجتماعات محلی در استان چهارمحال و بختیاری است (شکل ۳). در خصوص برازش نیکویی مدل ساختاری مستقیم، یافته‌های تحقیق نشان داد که بر اساس شاخص‌های برازش مدل شامل کای اسکور نسبتی برابر با ۱/۶۱۰ یعنی مقدار عددی کمتر از ۳؛ و شاخص برازش تطبیقی (CFI=۰/۹۷۳)؛ شاخص برازش فزاینده (IFI=۰/۹۷۳)؛ و شاخص توکر- لوئیس (TLI=۰/۹۷۰)؛ با مقادیر عددی بیشتر از ۰/۹۰ و شاخص ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA=۰/۰۴۰) با مقدار عددی کمتر از ۰/۰۸، برازش

مدل در سطح قابل قبولی بوده است (شکل ۳). نتایج حاصل از مدل ساختاری مستقیم در رابطه با آزمون چهار فرضیه اصلی تحقیق حاکی از آن بود که: (۱) بین موانع فرهنگی با توسعه اجتماعات محلی رابطه منفی و معنی داری وجود دارد ($\beta = -0/185, p = 0/000$)؛ (۲) بین حمایت اجتماعی با توسعه اجتماعات محلی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد ($\beta = 0/193, p = 0/003$)؛ (۳) بین مشارکت اجتماعی با توسعه اجتماعات محلی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد ($\beta = 0/149, p = 0/015$)؛ (۴) بین جایگاه اقتصادی زنان با توسعه اجتماعات محلی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد ($\beta = 0/245, p = 0/000$). (جدول ۳). همچنین، نتایج نشان داد که عوامل اقتصادی، اجتماعی و موانع فرهنگی تبیین کننده ۳۱ درصد از تغییرات توسعه اجتماعات محلی هستند (شکل ۳).



شکل ۳- مدل ساختاری مستقیم تحقیق با مقادیر ضرایب استاندارد شده

جدول ۳- ضرایب رگرسیونی عوامل موثر بر توسعه اجتماعات محلی در مناطق روستایی

متغیر	مقادیر غیراستاندارد	خطای استاندارد	ضریب استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معنی‌داری
موانع فرهنگی	-۰/۱۷۰	۰/۰۴۸	-۰/۱۸۵	-۳/۵۵۳	۰/۰۰۰
حمایت اجتماعی	۰/۱۵۱	۰/۰۵۱	۰/۱۹۳	۲/۹۷۷	۰/۰۰۳
مشارکت اجتماعی	۰/۰۹۴	۰/۰۳۹	۰/۱۴۹	۲/۴۴۰	۰/۰۱۵
جایگاه اقتصادی	۰/۳۰۲	۰/۰۶۷	۰/۲۴۵	۴/۵۳۱	۰/۰۰۰

ب. آزمون اثر میانجی توانمندی زنان روستایی

همانگونه که ذکر شد به منظور آزمون اثر میانجی توانمندی زنان روستایی در رابطه بین متغیرهای مستقل با توسعه اجتماعات محلی از روش چندمنظوره خودگردان‌سازی (Bootstrap) استفاده شد. برای اجرای روش خودگردان‌سازی ابتدا مدل مفهومی میانجی مفروض پژوهش همانگونه که در شکل (۴) آمده است طراحی گردید و سپس بر اساس نمونه آماری پیشنهاد شده توسط هایز (Hayes, 2009)، از طریق انجام نمونه‌گیری‌های فرعی متعدد با جایگذاری بر مبنای داده‌های اصلی گرفته شده از ۳۸۴ نفر از زنان روستایی استان چهار محال و بختیاری اقدام به ایجاد و جایگزینی نمونه ۵۰۰۰ تایی در سطح اطمینان ۹۵ درصد گردید. برازش نیکویی مدل ساختاری میانجی نشان داد که مدل بر اساس شاخص‌های برازش مدل شامل کای اسکور نسبتی برابر با ۱/۷۲۰ یعنی مقدار عددی کمتر از ۳؛ شاخص برازش تطبیقی (CFI=۰/۹۶۲)؛ شاخص برازش فزاینده (IFI=۰/۹۶۳)؛ و شاخص توکر-لویس (TLI=۰/۹۵۹)؛ با مقادیر عددی بیشتر از ۰/۹۰ و شاخص ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA=۰/۰۴۳) با مقدار عددی کمتر از ۰/۰۸، برازش مدل در سطح قابل قبولی بود (شکل ۴). همچنین، نتایج نشان داد که عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موثر بر توسعه اجتماعات محلی تبیین‌کننده ۳۶ درصد از تغییرات متغیر میانجی توانمندی زنان روستایی بوده و این عوامل به همراه متغیرهای میانجی، تبیین‌کننده ۴۷ درصد از واریانس توسعه اجتماعات محلی می‌باشند (شکل ۴).

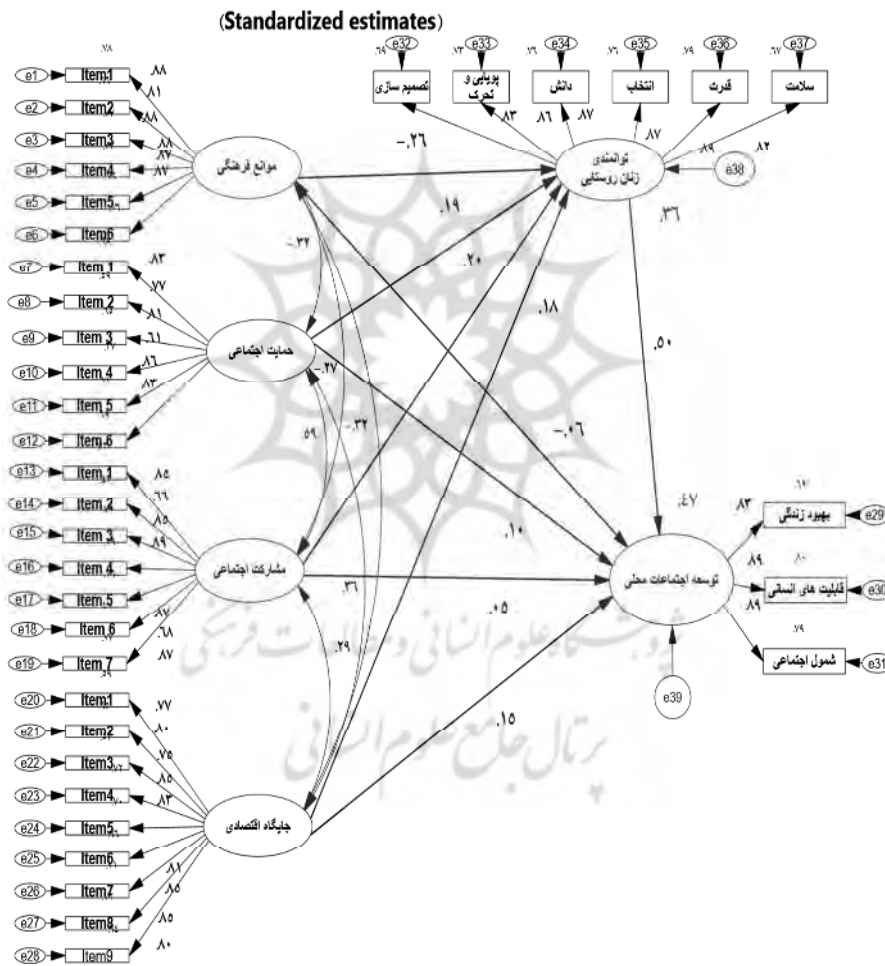
نتایج به دست آمده از اجرای روش خودگردان‌سازی همان گونه که از نتایج مندرج در جدول ۴ پیداست، حاکی از آن است که، مجموع اثر غیرمستقیم حمایت اجتماعی ($\beta=۰/۰۹۷$, $p=۰/۰۰۱$)، مشارکت اجتماعی ($\beta=۰/۱۰۱$, $p=۰/۰۰۲$) و جایگاه اقتصادی

بررسی نقش توانمندی زنان روستایی در تحلیل عوامل اقتصادی، اجتماعی ... ۱۳۱

($\beta=0/091$, $p=0/001$) بر توسعه اجتماعات محلی از طریق توانمندی زنان روستایی مثبت و معنی دار می باشد. همچنین نتایج نشان داد که اثر غیر مستقیم موانع فرهنگی بر توانمندی زنان روستایی از طریق توانمندی زنان روستایی منفی و معنی دار می باشد ($p=0/001$ ، $\beta=-0/130$)، (جدول ۴). در نتیجه می توان گفت که توانمندی زنان روستایی دارای اثر میانجی در رابطه بین این عوامل با توسعه اجتماعات محلی می باشد (جدول ۴).

Chi-square (df) = ۱۰۵۶,۰۸۴ (۶۱۴); P value = .۰۰۰; Relative Chi-Sq = ۱,۷۲۰

;GFI = .۸۷۱; CFI = .۹۶۲; IFI = .۹۶۳; TLI = .۹۵۹; RMSEA = .۰۴۳



شکل ۴- مدل ساختاری میانجی با مقادیر ضرایب استاندارد شده

جدول ۴- نتایج اثرعوامل موثر بر توسعه اجتماعات محلی در مناطق روستایی از طریق توانمندی زنان روستایی بر اساس روش خودگردان‌سازی

متغیر	مقادیر استاندارد شده غیرمستقیم	خطای استاندارد اثر غیرمستقیم	Bootstrap		سطح معنی داری (Two Tailed)
			فاصله اطمینان (CI) ۹۵ درصد	کران بالا	
موانع فرهنگی	-۰/۱۳۰	۰/۰۳۴	-۰/۲۱۳	-۰/۰۷۴	۰/۰۰۱
حمایت اجتماعی	۰/۰۹۷	۰/۰۳۴	۰/۰۳۸	۰/۱۶۹	۰/۰۰۱
مشارکت اجتماعی	۰/۱۰۱	۰/۰۲۹	۰/۰۴۳	۰/۱۵۹	۰/۰۰۲
جایگاه اقتصادی	۰/۰۹۱	۰/۰۳۰	۰/۰۳۸	۰/۱۵۷	۰/۰۰۱

۵. نتیجه‌گیری

امروزه توانمندسازی زنان یک ابزار حیاتی برای کاهش فقر است، به طوری که زنان توانمند می‌توانند به سلامتی و بهره‌وری کل خانواده و جامعه کمک کنند و در نهایت زمینه را برای دستیابی به توسعه تسهیل نمایند؛ این موضوع بیشتر به موقعیت منحصر به فرد و اهمیت نقش‌های مختلفی که زنان در خانواده و جامعه برعهده دارند برمی‌گردد؛ لذا بسیاری از پژوهشگران و اقتصاددانان به طور گسترده سرمایه‌گذاری برای زنان و توانمندی آنان را به عنوان کلید توسعه معرفی می‌کنند؛ از این رو این پژوهش با هدف بررسی نقش توانمندی زنان روستایی در تحلیل عوامل اقتصادی، اجتماعی و موانع فرهنگی مؤثر بر توسعه اجتماعات محلی صورت پذیرفت. نتایج پژوهش نشان داد بین متغیرهای حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی و جایگاه اقتصادی زنان روستایی رابطه مثبت و معنی‌داری با توسعه اجتماعات محلی وجود دارد که با مطالعات (Wang, 2012 و رضازاده و همکاران، ۱۳۹۱) همسو می‌باشد و بین موانع فرهنگی با توسعه اجتماعات محلی رابطه منفی و معناداری وجود دارد که با نتایج (Narayan, 2018 و سن، ۱۳۸۹) همسو است؛ در حقیقت هر چه زنان در فعالیت‌های روزانه خانواده و محل و در مراسم‌های مختلف روستا اعم از فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی آن مشارکت بیشتری داشته باشند و از سوی دیگر، هم از طرف همسر و هم دولت مورد حمایت قرار گیرند، بهتر می‌توانند زمینه توسعه اجتماعات محلی آن روستا

را تسهیل و فراهم نمایند. اما وجود برخی موانع فرهنگی مانند وجود تبعیض در خانواده، فرهنگ‌های غلط پدر سالاری، سنت‌ها و دید مردم در بسیاری از مواقع باعث ایجاد محدودیت برای زنان شود و برنامه‌های کاری آنان را با خلل مواجه سازد و در نتیجه باعث کند شدن و عقب افتادن فرایند توسعه می‌شوند؛ از این رو پیشنهاد می‌گردد: (۱) دولت زمینه لازم را برای تقویت فرهنگ مشارکت زنان در فعالیتهای اجتماعی فراهم آورد (۲) دولت حمایت‌های اجتماعی لازم را به منظور دستیابی به فرایند توسعه اجتماعات محلی آن روستا داشته باشد؛ این حمایت‌ها می‌تواند در قالب بیمه‌های اجتماعی، فراهم نمودن زمینه تحصیل زنان روستایی یا برگزاری دوره‌های آشنایی با حقوق زنان محقق گردد؛ این امر علاوه بر افزایش آگاهی زنان باعث افزایش مشارکت آنان در اجتماعات و برنامه‌های روستا می‌گردد و می‌تواند گام مؤثری در دستیابی به فرایند توسعه اجتماعات محلی آن روستا را باشد. (۳) از آنجایی که جایگاه اقتصادی زنان نقش مؤثری در فرایند توسعه اجتماعات محلی دارد، دولت می‌تواند از طریق اعطای وام‌های بلندمدت با نرخ بهره پایین یا تسهیلات خودکفایی، امکانات لازم را برای ارتقا جایگاه اقتصادی زنان فراهم آورد. نتایج پژوهش همچنین نشان داد که توانمندی زنان روستایی در رابطه بین متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با توسعه اجتماعات محلی دارای نقش میانجی می‌باشند که با مطالعات (Singh & Pushpanjali, 2010; world Bank, 2016; Miedema, 2018; Dufflo, 2012) همسو می‌باشد. به بیانی مطابق آنچه بیان رفت زنان به عنوان نیمی از فرایند توسعه به شمار می‌روند و توانمندی آنان به عنوان کلید توسعه بیان شده است؛ لذا تا زمانی که زنان از توانمندی لازم برخوردار نباشند هیچ گونه توسعه‌ای رخ نخواهد داد. در این زمینه پیشنهاد می‌گردد دولت اقدامات و زمینه‌های لازم را برای زنان از طریق برداشتن موانع فرهنگی و ارتقای جایگاه اقتصادی زنان فراهم آورد. همچنین نتایج حاصل از سطح‌بندی عامل اقتصادی در این پژوهش نشان داد که سطح توانمندی اقتصادی اکثریت پاسخگویان در سطح متوسط می‌باشد؛ به طوری که ۶۳/۳ درصد از پاسخگویان شرایط اقتصادی خود را در وضع نسبتاً مطلوب، ۲۸/۹ درصد در شرایط مطلوب و ۷/۸ درصد در وضع نامطلوب بیان نمودند. به طور کلی باید بیان نمود که اقتصاد به عنوان یکی از مهم‌ترین مشکل زنان روستایی مطرح است و نبود وضعیت اقتصادی مناسب موجب بروز سایر مشکلات برای آنان می‌گردد. لذا با توجه به تولیدات باغی و کشاورزی استان چهارمحال و بختیاری، زنان روستایی استان می‌توانند از این قابلیت برای اشتغال‌زایی استفاده کنند. در حقیقت بخش کشاورزی این

استان یکی از نقاط قوت برای کارآفرینی و توانمندسازی زنان روستایی است و از آنجایی که زنان در توسعه فعالیت‌های اقتصادی به ویژه در بخش کشاورزی نقش مهمی دارند از این رو نقش آن‌ها در تأمین درآمد و اقتصاد خانوار ایجاب می‌کند به فعالیت‌هایی بپردازند که درآمد زایی و اشتغال آفرینی داشته باشد. لذا وجود طرح‌های درآمدزایی نظیر بازارچه‌های خوداشتغالی و گروه‌های همیار می‌توانند در رفع این مشکل مؤثر باشد. ارائه وام‌های کم بهره می‌تواند در توانمندی زنان روستایی مؤثر واقع شود. همچنین شناسایی انواع و ابعاد پنهان و آشکار فعالیت‌های اقتصادی انجام شده زنان روستایی توسط مدیران محلی و تلاش برای ساماندهی آنان از ضروریات به حساب می‌آید. از سوی دیگر یکی از عواملی که می‌تواند دسترسی زنان را به منابع اقتصادی بیشتر کند، تصحیح عرف و نیز قوانین مرتبط با ارث است. در حقیقت یکی از منشأهای اصلی قدرت زنان روستایی مالکیت آن‌ها بر زمین، دام، میزان درآمد و پس‌انداز می‌باشد. اما باید بیان نمود تغییر مالکیت از مردان به زنان کاری بسی دشوار است، به ویژه وجود قوانینی مانند به ارث بردن اموال بیشتر برای پسران و یا پسر دوستی در بین خانواده‌های روستایی و تغییر مالکیت اموال از پدر به پسر باعث شده که عملاً زنان از وجود مالکیت زمین و سایر سرمایه‌ها بی‌بهره و یا بهره کمی ببرند. لذا باید اقدامات ویژه‌ای در راستای تغییر عرف و قوانین مرتبط با ارث که در آن‌ها سهم زنان نادیده گرفته شده است صورت پذیرد.

کتاب‌نامه

- آلوانی، مهدی و ضرغامی، مژگان. (۱۳۸۰). نقش زنان در توسعه، نشریه تدبیر، شماره ۱۱۳، صص ۶۷-۶۳.
- بادسار، محمد؛ کرمی؛ رویا و کرمی دهکردی، اسماعیل. (۱۳۹۷). کاربرد مدل‌سازی معادلات ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی و توسعه روستایی با استفاده از نرم افزار Amos، انتشارات دانشگاه زنجان.
- حیدری ساربان، وکیل. (۱۳۹۷). نقش‌سرمایه اجتماعی در توانمندسازی زنان روستایی شهرستان مشگین شهر (مطالعه موردی: بخش مرکزی)، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال هشتم، شماره ۳، صص ۲۵۳-۲۳۹.
- درخشان‌پور، محدثه و مرادی، وراز. (۱۳۹۴). توانمندسازی با رویکرد توسعه اجتماع محلی (نمونه پژوهشی: قائم شهر)، اولین کنفرانس تخصصی معماری و شهرسازی ایران، موسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی، شیراز: ۲۶ خرداد ماه ۱۳۹۴.

بررسی نقش توانمندی زنان روستایی در تحلیل عوامل اقتصادی، اجتماعی ... ۱۳۵

رضازاده، راضیه؛ محمدی، فاطمه و رفیعیان، مجتبی. (۱۳۹۱). توسعه اجتماع محلی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشارکتی در رویکرد دارایی مبنا (مطالعه موردی: محله امامزاده حسن، منطقه ۱۷ تهران)، فصلنامه برنامه ریزی و آموزش فضا، جلد شانزدهم، شماره ۲، صفحات ۵۵-۳۷.

رضائی تبار، رضا؛ زارع، حمید و مقیمی، محمد. (۱۳۹۱). الگوی تعاملی توانمندسازی از طریق مشارکت‌های اجتماعی در کمیته امداد امام خمینی (ره) با رویکرد مسجد محوری، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، سال بیستم، شماره ۲، صص ۱۷۳-۱۴۷.

ریتزر، جورج. (۱۳۷۹). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دنیای معاصر، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی

زرافشانی، کیومرث؛ علی‌بیگی، امیرحسین و فقیری، مژگان. (۱۳۹۱). رتبه بندی صندوق‌های اعتبارات خرد بر اساس توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، شماره ۳۶، صص ۱۲۴-۱۰۵.

ساعی، ایرج و ولی‌پور، شهربانو. (۱۳۸۸). شناسایی عوامل موثر بر توانمندسازی زنان جهت مشارکت در توسعه اجتماعی (مطالعه موردی استان لرستان)، نشریه علوم رفتاری، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۰۱-۶۷.

سلمانی، محمد؛ تقی‌پور، فریده؛ رمضان‌زاده، مهدی و جلیلی، زهرا. (۱۳۸۷). بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی (مشارکت مدنی، تعامل اجتماعی و اعتماد) در توسعه روستایی (مطالعه موردی: روستاهای باغستان و برون در شهرستان فردوس)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۲، صص ۴۵-۲۳.

سن، آمارتیا. (۱۳۸۹). توسعه به مثابه آزادی؛ ترجمه حسین راغفر، تهران: نشر نی.

کلدی، علیرضا و سلحشوری، پروانه. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر اجتماعی بر توانمندسازی زنان، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره ۴، صص ۲۲-۷.

مامسن، جنت هنشل. (۱۳۸۷). جنسیت و توسعه، ترجمه زهره فنی، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۶). سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵.

میرخشخو، آمنه. (۱۳۹۳). زنان در پساتوسعه؛ رویکرد انتقادی زنان به توسعه، سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بسوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت، اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳.

نادری، کریم و وحدت، هاجر. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان دارای مشاغل خانگی (مطالعه موردی: شهرستان رزن)، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۶، شماره ۲، صص ۱۹۶-۱۷۵.

نوابخش، مهرداد؛ ازکیا، مصطفی؛ وثوقی، منصور و مشیراستخاره، زهرا (۱۳۹۴). ارزیابی عوامل مؤثر بر توانمندی اقتصادی (مطالعه موردی: زنان آسیب‌پذیر در شهر تهران)، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۲۰-۱.

- Bali Swain, R. (2006). *Microfinance and Women Empowerment*; Sida; Stockholm, 2006.
- Barker, Chris. (2003). *Cultural studies: Theory and practice*: Sage publication.
- Bayeh, Endalcachew. (2016). the role of empowering women and achieving gender equality to the sustainable development of Ethiopia; *Pacific Science Review B: Humanities and Social Sciences*, 2(1), 37-42.
- Blumberg R.L. (2005). 'Women's Economic empowerment as the "Magic Potion" of Development; Paper presented at the 100th annual Meeting of the American Sociological Association, Philadelphia, August 2005.
- Bradshaw, Sarah. (2013). Women's decision-making in rural and urban households in Nicaragua: the influence of income and ideology. *Environment and Urbanization*, 25(1), 81-94 .
- Buvinic, M, & Gupta, G. (1997). Female-headed households and female-maintained families: are they worth targeting to reduce poverty in developing countries? *Economic development and cultural change*; 45(2), 259-280 .
- Dandona, Anu. (2015). *Empowerment of Women: A Conceptual Framework*. The International Journal of Indian Psychology, ISSN, 2348-5396.
- Duflo, E. (2003). 'Grandmothers and Granddaughters: Old Age Pension and Intra-Household Allocation in South Africa'. *World Bank Economic Review*, Vol. 42, pp. 1-25.
- Duflo, Esther. (2012). Women empowerment and economic development; *Journal of Economic Literature*; 50(4), 1051-1079.
- Erickson, B. H. & Miata, Kakuko (2005). "Macro and Micro Gender Structures: Gender Stratification and Social Network in Japan and Canada," Institute for the Global Issues (ISGI seminar), March.
- Erickson, B., H. (2004) "The Distribution of Gendered Social Capital in Canada", Pp.27-50 in *Creation and Returns of Social Capital*. Henk Flap and Beate Volker (eds.), NewYork: Routledge.
- Espin, Oliva M. (2018). *Cultural and historical influences on sexuality in Hispanic/Latin women: Implications for psychotherapy Latina Realities* (pp. 83-96): Routledge
- Food and Agricultural Organization of United Nations (2010), *Gender and Land Rights Database*; Available:<http://www.fao.org/gender/landrights>
- Frankenberg, E. & Thomas D. (2001). *Measuring Power. Food Consumption and Nutrition Division, Discussion Paper No. 113*, Washington DC: International Food Policy Research Institute, Pp:1-24.
- Goetz, A.M. and Sen Gupta, R. (1996). 'Who takes the credit? Gender, power, and control over loan use in rural credit programs in Bangladesh', *World Development*, Vol.24, No.1; Pp: 45-63.
- Hair, J. F., Black, W. C., Babin, B. J., Anderson, R. E., & Tatham, R. L. (2010). *Multivariate data analysis* (seventh ed.). United State of Amreica: Pearson prentice hall.
- Hayes, A. F. (2009). Beyond Baron and Kenny: statistical mediation analysis in the new millennium. *Communication Monographs*, 76(4), 408-420.

- Hissa, H; Alves F; Nelson T, Costa, M; Strauch, G; Bassi, L & de Assis, R (2019). Sustainable rural development in Rio de Janeiro state: the Rio rural; PP: 23-39.
- Hossain, M, & Jaim, W. (2011). *Empowering women to become farmer entrepreneur*. Paper presented at the Paper presented at the IFAD Conference on New Directions for Smallholder Agriculture.
- Jinia, Nasrin Jahan. (2016). *Microcredit and Women's Empowerment*. Does Microcredit Promote the Borrowers to Participate in the Household Decision-making Process in Bangladesh?
- Kabeer, N. (1999). "Resources, agency, achievements: Reflections on the measurement of women's empowerment." *Development and change* 30(3): 435-464.
- Kabeer, N. (2001). *Reflections on the Measurement of Women's Empowerment*. In: Discussing Women's Empowerment: Theory and Practice, SIDA: Swedish International Development Cooperation Agency.
- Kabeer, N. (2005). "Is microfinance a magic bullet for women's empowerment? Analysis of findings from South Asia." *Economic and Political weekly*: 4709-4718.
- Karuppusamy, R, & Indira, S. (2017). *Socio-Economic Factors on Women Empowerment*. *International Journal of Scientific Research and Management*, 5(6), 5415-5418 .
- Kline, R. B. (2011). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling*: The Guilford Press.
- Kumar, Dhanonjoy, Hossain, Afjal, & Gope, Monto Chandra. (2015). Role of micro credit program in empowering rural women in Bangladesh: A study on Grameen Bank Bangladesh Limited. *Asian Business Review*, 3(4), 114-120.
- MaCall, Tony. (2003). Institutional design for community economic development models: Issues of opportunity and capacity. *Community Development Journal*, 38(2), 96-108.
- Mallinckrodt, B., Abraham, T. W., Wei, M., & Russell, D. W. (2006). Advance in Testing Statistical Significance of Mediation Effects. *Journal of Counseling Psychology*, 53, 372-378.
- Manjoro, A. (2017). *Theories of poverty reduction as they apply to the gorongosa - case study in alleviating poverty through local resources and initiatives*, Catholic University of Mozambique, PP: 1-16.
- Mayoux, Linda. (2005). *Micro-Finance and the Empowerment of Women*. A review of the key issues. Available at: www.lilo.org
- Miedema, S; Haardorfer, R; Girard, A & Yount, K (2018). Women's empowerment in East Africa: Development of a cross-country comparable measure. *World Development*, 110, 453-464.
- Mondal, Puja. (2015). *Essay on Women Empowerment in India*. Young Article Library, 31317 .
- Narayan, D. (2018). *Unit-11 Measuring Women's Empowerment: Learning From Cross-National Research*: IGNOU.
- Nations, United. (2015). *transforming our world: The 2030 agenda for sustainable development*. Resolution adopted by the General Assembly.

- Nguyen, Anh Phuoc Thien. (2018). Microfinance and Women's Empowerment: *An Empirical Evidence in Vietnam*. 4(1), 1-8 .
- Pitt, M., Khandker, S.R. and Cartwright, J. (2006). 'Empowering Women with MicroFinance: Evidence from Bangladesh', *Economic Development and Cultural Change*, pp. 791- 831.
- Rani, Sarita. (2017). Women Empowerment: Need of modern era. *International Journal of Advanced Education and Research*, 2(3), 143-144.
- Rifkin, Susan B. (2003). *A framework linking community empowerment and health equity: it is a matter of CHOICE*. Journal of health, population and nutrition, 168-180.
- Salehudin, I. (2009); *Social network power: Applying Social Capital Concept to Explain the Behavioral Tendency of Individuals in Granting Favors within the Organizational Context*, Proceeding of 4th International Conference on Business and Management Research, Presented in 22nd November 2009, Bali-Indonesia.
- Shahnaj, P. (2008). Access of rural women to productive resources in Bangladesh: A pillar for promoting their empowerment, *International Journal of Rural Studies*. 15(1):1-8.
- Singh, Rajinder. (2018). Women empowerment in 21st century: A constitutional study. *research journal of social sciences*, 9(10), 158-170 .
- Singh, S & Pushpanjali T (2009) "Gender Equality and Women Empowerment in India", Third Concept an International journal of Ideas, pp29-31
- Steffen, Erin M. (2014). *Women's Empowerment and Community-Driven Development: Evidence from the Solomon Islands*, Master's Thesis, Department of Economics University of San Francisco.
- Swain, R & Wallentin, F. (2008). *Economic or non-economic factors: What empowers women?* : Working Paper, Department of Economics, Uppsala University.
- Ugbomeh, George MM. (2001). Empowering women in agricultural education for sustainable rural development. *Community Development Journal*, 36(4), 289-302.
- Verity, F (2007). *Community capacity building*. a review of the literature; Retrieved from: <http://www.health.sa.gov.au>.
- Wang, G, & Swanson, A. (2008). The idea of national HRD: An analysis based on economics and theory development methodology. *Human Resource Development Review*, 7(1), 79-106.
- Wellman, B. (1992). "Which Type of Ties and Networks Provide What kinds of Social Support?" *Advances in Group Processes*, vol: 9: 207-235.
- Wellman, B., (1999). "The Network Community: An Introduction," Pp. 1-48 in Networks in the Global Village, B. Wellman (ed.), Boulder, Co: Westwood.
- World Bank. (2016). *Women's Empowerment in Rural Community- Driven Development Projects*, An IEG Learning Product, pp: 1-72.
- World Bank. (2017); women's empowerment in rural community-driven development projects women's empowerment in rural community- driven development projects international bank for reconstruction and development.